

A content analysis of the petitions submitted by the Azerbaijanis to Nasser al-Din Shah Qajar (1301-1303 AH)

Maryam Nilghaz^{*}, Sina Foroozesh^{**}

Reza Shabani Samgh Abadi^{***}

Abstract

A petition includes different problems by which, people are involved in. Since it was impossible to eliminate and solve the problems simply and normally, the petitioners sought the king protection. Thus, either the king himself directly responded, or he obligated the princes, rulers, or other authorities to do so. The objective of this article is to be acquainted with different social problems in Iranian Azerbaijan province during three years of Naser al-din Shah reign, the documents include petitions by Iranian Azerbaijan province residences such cities as Tabriz, Urumieh, Ardabil, Mianaj, Khoy, Khalkhal, Marand, Salmas, Savojbolaq, Jolfa, Saen Qal'eh, and Maragheh between 1301 – 1303 AH.

The research method used in this article is historical (inductive) one, and a descriptive – analytic method was used for compilation and writing of it. Also, compilation of data and information was made as libraryly and documentary. Special attempts were made to describe and analyse the contents of petitions by

* Ph.D. candidate in Post-Islamic History of Iran, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran, Iran, m.nilghaz@yahoo.com

** Associated Professor, Department of History, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran, Iran (Corresponding Author), sinaforoozesh@gmail.com

*** Professor, Department of History, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran, Iran, rezashabani329@gmail.com

Date received: 18/02/2021, Date of acceptance: 14/06/2021



Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

residents in Iranian Azerbaijan Province during the reign of Nasser al-din Shah Qajar. The study and analysis of the petitions show that lack of formation of administrative institutes, absence of life and financial security caused by domestic rulers, and above all, the Shah consideration and following through the petitions were the main reasons for people to represent their petitions to the modernized, Europe – visited Nasser al-din Shah Qajar.

Keywords: Iran, Azerbaijan, Naser al-Din Shah Qajar, petition, lawsuit, Requisition.



تحلیل محتوایی عرایض مردم آذربایجان به ناصرالدین شاه قاجار (۱۳۰۱ - ۱۳۰۳ ه. ق.)

مریم نیل قاز*

سینا فروزش**، رضا شعبانی صمغ آبادی***

چکیده

عرایض متضمن مسائل مختلفی است که گریبانگیر مردم بوده است و چون این مسائل از طرق عادی امکان رفع و رجوع نمی یافت، صاحبان عرایض به پادشاه پناه می بردند. پادشاه یا خود مستقیماً به آن‌ها پاسخ می داد، یا شاهزادگان و حکام و سایر مقامات را وادار به پاسخ‌گویی به صاحب عریضه می کرده است. هدف مقاله حاضر شناخت مسائل اجتماعی مردم آذربایجان طی نزدیک به سه سال از سلطنت ناصرالدین شاه قاجار است که در اسناد مورد بررسی منعکس گردیده است؛ این اسناد، شامل عرایض خطه آذربایجان و مردم شهرهای تبریز، ارومیه، اردبیل، میانج، خوی، خلخال، مرند، سلماس، ساوجبلاغ، جلفا، صائین قلعه و مراغه، بین سال‌های ۱۳۰۱ تا ۱۳۰۳ هجری قمری می باشد. روش تحقیق در این مقاله، روش تاریخی (استقرائی) و شیوه نگارش و تدوین آن به صورت توصیفی-تحلیلی می باشد. استخراج اطلاعات و داده‌ها نیز به صورت کتابخانه‌ای و اسنادی صورت گرفته است.

* دانشجوی دکتری تاریخ ایران اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران،
m.nilghaz@yahoo.com

** دانشیار گروه تاریخ، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران (نویسنده مسئول)،
sinaforoozesh@gmail.com

*** استاد گروه تاریخ، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران،
rezashabani329@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۳۰، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۱۱



این مقاله سعی دارد به تشریح و تحلیل محتوای عرایض مردم آذربایجان در عهدناصری پردازد.

بررسی و تحلیل عریضه‌ها نشان می‌دهد که عدم شکل‌گیری نهادها و ساختارهای اداری، عدم وجود امنیت جانی و مالی عریضه‌نویسان از سوی حاکمان محلی، و مهم‌تر از همه توجه و پیگیری شخص شاه به مطالبات و تقاضاهای مردم موجب می‌شد تا آنان عریضه‌های خود را به شخص اول مملکت یعنی پادشاه متجدد و فرنگ دیده قاجار، ناصرالدین‌شاه، تقدیم کنند.

کلیدواژه‌ها: ایران، آذربایجان، ناصرالدین‌شاه، عریضه، تظلم‌نامه.

۱. مقدمه

اسناد، یکی از موثق‌ترین و مستندترین منابعی هستند که در تحقیقات تاریخی به‌کار می‌روند. ارزش اسناد به این است که در بحبوحه وقایع و بر اساس ضرورت و نیازهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی شکل می‌گیرند و اکثراً به صورت یک منبع ثابت دست‌نخورده باقی می‌مانند و کمتر مورد تحریف قرار می‌گیرند، مگر این که تنظیم‌کنندگان اسناد، صداقت را مبنای کار خود قرار ندهند. حتی با وجود این ملاحظه نیز، منابع اسنادی همچنان یکی از معتبرترین آبخورها در پژوهش‌های تاریخی به‌شمار می‌آیند. اسنادی که در شهرستان‌ها تنظیم شده‌اند و به عنوان اسناد منطقه‌ای شناخته می‌شوند، برای واکاوی تاریخ اجتماعی و سیاسی مناطق مختلف کشور و حتی جغرافیای تاریخی آن‌ها، از اعتبار ویژه‌ای برخوردارند. عموم شهرهای کشور، تاریخ جامعی ندارند و در بسیاری موارد، تنها همین اطلاعات موجود در اسناد است که می‌تواند برای شناخت وضعیت اجتماعی، تاریخی، سیاسی و اقتصادی این شهرها مورد استناد و استدلال قرار گیرد.

عریضه‌نویسی، از دیرباز بخشی از خرده رفتار سیاسی و اجتماعی ایرانیان بوده است، تا آن‌جا که می‌توان به عنوان بخشی از فرهنگ ملی ایرانیان یاد کرد. چنین فرهنگی چه پیش از اسلام و چه پس از آن مرسوم بوده است. گزارش‌های نخستین از برپایی دیوان مظالم و حضور فرهنگ تظلم‌خواهی بعد از اسلام در منابع تاریخی، به اواخر قرن سوم و اوایل قرن چهارم هجری باز می‌گردد. قدامه بن جعفر (متوفی ۳۳۷هـ.ق) در کتاب الخراج شرحی از ساز و کار دیوان مظالم درباره خلیفه عباسی آورده است. (قدامه، ۱۳۵۳، ص ۶۶-۶۷) در

دوره قاجار، ناصرالدین شاه، با تشکیل «دیوان مظالم» رسماً به مثابه عالی‌ترین مرجع دادرسی عرفی به رسیدگی حضوری به شکایت افراد علیه مأموران دولتی پرداخت. هرچند در دوره قاجار در مواجهه با تمدن غرب، جدایی عمیقی بین فرهنگ و تمدن به وجود آمد، اما عریضه‌نویسی نه تنها کاهش پیدا نکرد، بلکه تداوم یافت و فراگیرتر شد. بی‌تردید عرایض جزء بکرترین منابع تاریخی سده اخیر است که در آن موضوعات اجتماعی بدیع و متنوعی قابل رصد می‌باشد و از جمله منابع و اسناد قابل اعتماد و استناد هستند که در نمایش وضع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی هر دوره کمک شایانی به مورخان و پژوهندگان عرصه تاریخ می‌کنند.

در اینجا لازم است، پیش از بیان مسأله، به محدوده جغرافیایی پژوهش حاضر یعنی ایالت آذربایجان اشاره شود. جنگ‌های بین ایران و روس جغرافیای تاریخی آذربایجان را تغییر داد، و رود ارس مرز شمالی آذربایجان شد. در این دوره مرز غربی آذربایجان به عثمانی مرز شرقی به دریای خزر و مرز جنوبی به کردستان ایران منتهی می‌شد. (شیل، ۱۳۶۸: ۳۴)

دروویل که در اوایل قاجاریه به ایران مسافرت کرده بود حدود جغرافیایی آذربایجان را از سمت شرق منتهی به دریای خزر، از سمت شمال به گرجستان و از طرف غرب منتهی به پاشانشین بایزید می‌دانست. (دروویل، ۱۳۶۴: ۸-۹)

دمورگان در سال ۱۸۸۹م قفقاز و باکو را جز حدود جغرافیایی آذربایجان دانسته است که بر اثر فتوح روسیه از ممالک محروسه ایران جدا شده بود:

آذربایجان بعنوان یک ایالت سیاسی تا قفقازیه کشیده می‌شده است. باکو جزء آن بوده، ایروان و قرداغ جزء بخش‌هایی از آن نبوده‌اند، لیکن امروزه بعد از فتوحات روسیه در آغاز قرن، این ایالت کوچکتر و محدودتر شده است و در حدودی که طبیعت برای او ترسیم کرده است قرار دارد. مرز سیاسی آذربایجان در شمال، ارس است لیکن در حقیقت این مرز در قتل قراداغی متوقف می‌گردد، در مشرق کوه‌های طالش برای آن حکم حصار و باروست؛ در مغرب رشته جبال بزرگ کرد که از آرات شروع شده در طول ارمنستان ممتد بوده و به سمت جنوب فرود می‌آید، این منطقه بمانند مرز است، در جنوب این رشته جبال با کوهستانهای مگری و گروس پایان می‌پذیرد. (دمورگان، ۱۳۳۸: ۳۴۶-۳۴۸).

مسئله اساسی پژوهش حاضر این است که چرا مردم عادی، از جمله مردم آذربایجان، عرایض خود را مستقیماً به شخص اول مملکت یعنی پادشاه می‌نوشتند؟ فرضیه پرسش یادشده این است که مردم عادی به علت عدم وجود نهادها و ساختارهای اداری و قضائی، به ناچار و از سر استیصال، عرایض خود را به شخص اول مملکت می‌نوشتند.

درباره پیشینه تحقیق، در موضوع عرایض مردم آذربایجان عهد ناصری، لازم به اشاره است که تاکنون تحقیقی در این‌باره صورت نگرفته است. در نیمه دوم حکومت قاجارها و زمانی که استفاده از تلگراف همه‌گیر شده بود، عریضه‌نویسی برای رفع و رجوع امور و استمداد از دولتمردان مرسوم گردید. جدای از عریضه‌هایی که اقلی از مردم، مستقیم، به دست شاه می‌رساندند؛ پس از انقلاب مشروطه و تاسیس مجلس شورای ملی، تصور مردم آن دوره از مشروطه و مجلس این بود که مجلس محلی است که تظلمات و شکوائیه‌های آنان را رسیدگی کند. درخواست مکتوب آنان از طریق پست، تلگراف یا حضوری، به مجلس شورای ملی می‌رسید. نمایندگان که با حمایت مردم به مجلس راه پیدا کرده بودند، لازم دیدند در قوه مقننه بخشی را به بررسی شکایات و عرایض مردم اختصاص دهند؛ از همان آغاز، یکی از کمیسیون‌های تخصصی مجلس بنام کمیسیون عرایض نامگذاری شد که وظایفی متفاوت با دیگر کمیسیون‌های مجلس داشت. در نتیجه، عرایض بکر و دست نخورده‌ای در مرکز اسناد و کتابخانه مجلس شورای اسلامی وجود دارد که جا دارد پژوهشگران به آن‌ها بپردازند.

هرگونه جستار درباره «عرایض مردم آذربایجان عهد ناصری» از چند جهت دارای ضرورت و اهمیت است: اول آن که ظرفیت و پذیرش تحلیل‌ها، تفسیرها و قرائت‌های گوناگونی را دارد و می‌توان آن را با رویکردهای متفاوت مورد بررسی و ارزیابی قرار داد؛ دوم آن که می‌توان به پاسخ‌هایی نو و بدیع دست یافت که پیش‌تر عنوان نشده است؛ و سوم آن که کمبودی که در این زمینه در میان پژوهش‌های تاریخی احساس می‌شد، ضرورت انجام تحقیق را سبب گردید.

روش انجام تحقیق، به لحاظ ماهیت، تاریخی (استقرائی) است و به لحاظ شیوه تدوین و نگارش در زمره تحقیقات توصیفی-تحلیلی قرار دارد. اطلاعات این تحقیق به شیوه کتابخانه‌ای و اسنادی و با مراجعه به کتب، اسناد، مقالات و سایر متون چاپی گردآوری

شده است. تجزیه و تشریح اطلاعات هم با رویکرد کیفی و مبتنی بر عقل و منطق و استدلال، با رویکرد تحلیل محتوا، صورت گرفته است.

۲. عرایض در صندوق عدالت و مجلس مظالم

صندوق عدالت و مجلس مظالم، آیینیه مسائل و مشکلات اجتماع بود که خواسته‌ها، مطالبات و مسائل مردم را منعکس می‌کرده است. به همین خاطر می‌توان عرایض رسیده به این مراجع را از معتبرترین منابع در مطالعه تاریخ اجتماعی و حتی سیاسی عصر قاجار محسوب کرد. این عرایض که به مثابه اسنادی موثق از حال و روز مردم و جامعه است نشان دهنده درک و فهم مردم از اوضاع اجتماعی و سیاسی نیز می‌باشد.

پس از بازگشت ناصرالدین‌شاه از اولین سفر اروپا (۱۲۹۹هـ.ق) وی اقدام به برقراری صندوق عدالت کرد. در این سفر، همه‌جا، به شاه گفته شده بود که همه ترقیات ممالک اروپا به دلیل وجود امنیت و عدالت است که آن نیز به دلیل وجود قانون است. این چنین قانونی به معنی محدود شدن اختیارات و آزادی‌های افراد، حتی پادشاه بود و شاه نیز به دلیل خوی استبدادی حاضر به قبول چنین قانونی نبود، ولی خواهان اجرای نمادین آن بود تا در ظاهر نشان دهد که به اجرای عدالت و برقراری امنیت در کشور اهمیت می‌دهد. (دامغانی، بی تا: ۹۵)

با نصب این صندوق، مردم شکایات، عرایض و تقاضاهای خود را به آن حواله می‌دادند. در بین نامه‌ها و عرایض ریخته شده در این صندوق بعضا شوخی و حتی فحش و ناسزا نیز دیده می‌شود. صندوق عدالت، به دلیل خودکامگی درباریان و حکام و از طرفی نیز جدی تلقی نشدن از سوی مردم، بعد از مدت کوتاهی از تاسیس آن به فراموشی سپرده شد، اما ارسال عرایض و تظلمات مردم در طی سالیان بعد که پاسخ‌گویی دربار و بعضا حکام را در پی داشت، تداوم یافت. عرایضی که در مجلس تحقیق مظالم مورد بررسی قرار گرفته است، در فاصله سال‌های ۱۳۰۱-۱۳۰۶ هجری قمری به این مجلس رسیده است. اغلب عرایض از ولایات و ایالات و بیشتر از سوی رعایا بوده است.

در مورد طبقه تجار نمی‌توان عریضه درخور توجهی دید که این امر می‌تواند به دو دلیل عمده بوده باشد: اول اینکه شکایت و نارضایتی تجار، دیگر در نارضایتی عامه مردم

جمع نمی‌شد و دیگر اینکه طبقه تجار، مجلس مخصوص به خود داشتند که شکایت و دعاوی خود را به آن ارجاع می‌دادند. (آدمیت و ناطق، ۱۳۵۶: ۴۰۲)

حکام ایالت زمانی که مشاهده کردند رعیت برای بیان شکایت و خواسته‌های خود به‌سوی تهران رهسپارند و یا اینکه عرایض خود را به پستخانه‌ها می‌برند تا به پایتخت ارسال کنند، دست به کار شدند. آنها تلاش خود را به کار بردند تا از فرستادن شکایت مردم به پایتخت جلوگیری کنند و حتی سعی می‌کردند تا محموله‌های پستی را برابیند و حتی اگر کسی مانع می‌شد با او برخورد فیزیکی سختی انجام می‌دادند. زمانی که شاه از این موضوع آگاه شد دستوری صادر کرد مبنی بر آن که با برخوردکنندگان «مواخذه شدید به‌عمل آورند. رعیت در عرض حال خود آزاد باشد.» (همان، ۳۹۵؛ بیانی، ۱۳۷۵: ۱۳۱)

متأسفانه، به علت فقدان اطلاعات و داده‌های تاریخی، نمی‌توان مشخص کرد دولت تا چه حد به عرایض مردم رسیدگی می‌کرده است و اینکه آیا فرامینی که از جانب این مجلس صادر می‌شد، به مرحله اجرا می‌رسیده است یا نه؟

۳. عریضه

عرض حال، قصه، درخواستنامه، نامه‌ای که زیر دست به مافوق و یا کوچکی به بزرگی بنویسد؛ نیز برای این مفهوم آمده است. (دهخدا، ۱۳۷۳: ج ۱۰/۱۳۹۸۱) براین اساس معنی به عرض رساندن، عبارت است از گفتن و بیان کردن مطلبی از طرف کوچک‌تر به بزرگ‌تر (معین، ۱۳۷۵: ج ۲/۲۲۸۸). همچنین عریضه، به نامه‌ای که کسی به شخصیتی مهم یا بلند مرتبه می‌نویسد او نیز نامه‌ای که متضمن شکایت از کسی باشد نیز اطلاق می‌شود و از این رو، تلویحا معنی شکایت‌نامه نیز می‌دهد. (آرین پور، ۱۳۸۶: ۱۶۸-۱۰۶۹) بدین منوال عریضه‌جات جمع غیر فصیح عریضه، به معنای درخواست‌ها و مستدعیات کوچک‌تران از بزرگ‌تران و عرایض به معنای شکایت، مطالب و سخنان است. بدین ترتیب عریضه‌نگاری یا عریضه‌نویسی، عمل و شغل عریضه‌نویس است: آن که معمولا برای دیگران و خطاب به مقامی رسمی یا شخصیتی مهم، عریضه می‌نویسد. (انوری، ۱۳۸۱: ج ۵/۵۰۱۰)

۴. صورت‌بندی عرایض

تقسیم‌بندی غالبی که بیش از یک سده در مطالعات سند پژوهشی پذیرفته شده و در چهار دهه پیش جهانگیر قائم مقامی تدوین کرده است، قائل به چهار نوع سند می‌باشد:

۱. اسنادی که درباره امور روزمره زندگی و تحکیم روابط میان مردم و اجتماع است و حکایت از روابط مالی و اقتصادی و حقوقی مردم با یکدیگر دارد. این دسته از اسناد، به دو گونه جزئی تقسیم شده‌اند:

۱-۱- اسناد مالی: آنهایی که مبنای داد و ستد پولی دارند، مانند: اسناد رهن و بیع شرط، قباله‌های خرید و فروش، اسناد اجاره و استجاره، مقاطعه‌نامه، بروات، حوالجات و کلیه قراردادهایی که مربوط به وجوه می‌باشد. این اسناد را در دوره قاجار «اوراق اسنادی» می‌نامیدند. (کتابچه دستورالعمل روسای اداره جلیله ثبت دولتی، ۱۳۰۳ق: ص ۴۲؛ قائم‌مقامی، ۱۳۵۰: ۴۱)

۱-۲: اسناد حقوقی و قضایی: که این اسناد داد و ستد پولی خارج هستند مانند وصیت‌نامه، استشهادنامه، قبالات نکاح و طلاق و...

۲. اخوانیات: مکاتبات دوستانه و نامه‌های خانوادگی. ۳- سلطانیات: مکاتبات درباری شامل مکاتبات پادشاهان و شاهزادگان. ۴- دیوانیات: مکاتبات مربوط به مسائل و امور کشوری. (همان: ۴۲)

هرچند چنین تقسیم‌بندی در دوره خود و تا به امروز راهگشا بوده، اما به نظر می‌رسد دچار نابسامانی‌هایی است. برای نمونه، جدائی اسناد حقوقی و قضایی از مالی امکان‌پذیر نیست؛ چون سند نکاح یا وصیتنامه که جزو اسناد حقوقی و قضایی قرار گرفته است، از مناسبات مالی خارج نیست؛ یا در نمونه دیگر چگونه می‌توان وقفنامه را که در شمار اسناد شرعی (حقوقی)، مالی و دیوانی جای می‌گیرد، از یکدیگر تفکیک کرد؟. جادادن اسناد عرایض در تقسیم‌بندی اسناد، گونه‌بندی جدیدی را در اسناد می‌طلبد. اما بی‌تردید باتوجه به اهمیت و کمیت اسناد عرایض در دوره جدید، در تقسیم‌بندی نوین این نوع سند را باید گونه‌ای مستقل دانست. تنها پژوهشی که در خصوص عرایض انجام شده با پایبندی به همان تقسیم‌بندی معمول، عرایض را جزو سه‌گونه دیوانیات، اخوانیات و اسناد مالی معرفی کرده است. (ططری، ۳۸۸: ۴۶۵)

۱.۴ موضوع عرایض مردم آذربایجان

در دوره قاجار، پیش از مشروطه و پیش از شکل‌گیری نهادهای جدید قانونگذاری و اجراء در کارکردهای حکومت، با دوره‌های پیشین، چندان تغییری ایجاد نشده بود. در واقع با وجود موج‌های جدید آگاهی و اصلاحات برآمده در تصور مردم از شاکله حکومت به مانند تصور حاکمان، شکافی به وجود نیامده بود. از این رو بود که تا دوره ناصری، شاه مانند گذشته، شخصا، به عرایض رسیدگی می‌کرد، هرچند دیگر نه مانند گذشته یک روز در هفته، که هر ساعتی که صلاح می‌دانست به این کار اختصاص می‌داد. (معیرالممالک، ۱۳۶۴: ۷۷)

این اسناد منطقه‌ای را طبقات مختلف جامعه، از جمله روحانیون، تجار، صنعت‌گران، منورالفکران و حتی مردم عادی شهر و روستا نوشته‌اند و در هر کدام از این اسناد و مدارک، شکوائیه‌ها و مطالبات خاص این طبقات مطرح شده است که عموماً مشتمل بودند بر: تقاضا برای اصلاح و آبادانی منطقه، شکایت از وضعیت حقوقی، مشکلات اداری، اختلافات ارضی، مسأله تقسیم آب و...؛ در ادامه به مصادیق و محتوای عرایض مردم آذربایجان عهد ناصری اشاره می‌شود که عبارت بودند از:

۱. شکایت‌های رعیت از رعیت

بیشترین آمار شکایات مربوط به شکایات از اشخاص و طرح دعاوی سستی است. شکایت از مزاحمت اراذل و اوباش، اختلافات ملکی، خیانت در امانت و... از موضوعات مورد اشاره در این عریضه‌هاست؛ مطلبی که باید در بررسی این شکایات مدنظر داشت، این است که پژوهش‌گر با خواندن این عرایض، از دید شاکلی با جریان شکایت آشنا می‌شود و به قول معروف «یک طرفه به قاضی می‌رود».

هر شکایت‌نامه ممکن است به دو یا سه عنوان شکایت قابل تقسیم باشد. بنابراین تا حدی منحصر نمودن یک شکایت‌نامه به یک موضوع خاص، دشوار می‌نماید؛ این مسئله در شکایت‌های مربوط به مسأله ارباب-رعیتی نمود بیشتری پیدا می‌کند.

۲. شکایت‌های رعیت از ارباب

جرأت و جسارت زارعان در اقدام به شکایت از ظلم و ستم اربابان، قابل تحسین است، چرا که شاکی حتماً باید منتظر اقدامات تلافی‌جویانه ارباب می‌بود. برای نمونه، در ذیل، به گزارشی اداری از «عرض حال رعایای خالصه تبریز درباره شکایت از نواب حاجی جعفرقلی میرزا و محمدولی خان مستاجر خالصه آنها» اشاره می‌شود:

از تبریز رعایای خالصه بعضی شکایت از نواب حاجی جعفرقلی میرزا کرده بودند بعضی اظهار رضایت نموده و ضمناً از محمدولی خان که در هذی‌السنه مستاجر خالصه‌شده اظهار دلتنگی کرده بودند بنواب رکن‌الدوله در این باب تلغراف شد جواب داده بودند که مکرر عرض شده که حاجی جعفرقلی میرزا آدم معقولی و درست‌کاری است محمدولی خان هم به تنهایی خالصه را اجاره نکرده حاجی محمدمهدی‌خان و چند نفر دیگر خالصه را اجاره کرده‌اند یک سرش محمدولی خان شریک شده معلوم است هر کس مباشر خالصه شود رعیت از او شکایت مینمایند در هر حال خالصه را باید یکی اجاره داد مردم همه از مستاجر یقین بعضی شکایت بهم می‌رسانند. (مجموعه عرایض، نامه‌ها و دستورات ناصرالدین‌شاه قاجار، شماره نسخه ۱۳۰۸۷، شماره ثبت ۷۶۵۰۲، صفحه ۸۵، مخزن خطی کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی)

۳. دریافت مستمری

تقاضای دریافت مستمری از شاه در پی «تلف شدن تنخواه» توسط چندتن از اتباع خارجه و چند زورگوی داخلی نیز از دیگر مواردی است که طی عریضه به اطلاع شاه می‌رسید تا شاید گشایشی حاصل شود. در اینجا به «عرض حال حاجی میرزا جعفر اردوبادی از تبریز درباره تلف شدن یک‌هزار و دویست تومان تنخواه وی نزد چاپار در حوالی مرند» اشاره می‌شود:

از تبریز حاجی میرزا جعفر اردوبادی عرض کرده که کمترین دعاگو سابق برین عرض خود را بتوسط تلغراف بخاکپای معذلت بنیان جسارت کرده که یک‌هزار و دویست تومان تنخواه دعاگو را نزد چاپار حوالی مرند تلف کردند بعد عریضه بخاکپای جواهرآسای همایونی روحفاده عرض کرده مکرر تلغراف عرض شد چون بدعاگو واضح است که تنخواه را باغواهی عیوض‌بیک غلام‌باشی

مشهدی علی‌نقی ایروانی و حسن چوپانکی من محال ایروان و غیره برده که آنها رعیت خارجه بودند الحمدالله بسزای عمل خود رسیدند لکن عیوض بیک و یکنفر دیگر که هر دو رعیت ایرانند و بدستاری از این پول برده شده چون از اجزاء قونسول هستند احقاق حق نمیگذارند بشود چون در دولت خارجه محض تعصب دین شاهنشاه که اسلام آورده مستدعی است که پول دعاگو گرفته شود که در بقیه عمر محتاج و پریشان نشود. (مجموعه عرایض، نامه‌ها و دستورات ناصرالدین‌شاه قاجار، شماره نسخه ۱۳۰۸۷، شماره ثبت ۷۶۵۰۲، صفحه ۵۷، مخزن خطی کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی)

تحشیه/ پاراف نامه: «به حضرت ولیعهد بنویسد به ساعدالملک حکم بفرمایند مقرر آن را دهد.» (مجموعه عرایض، نامه‌ها و دستورات ناصرالدین‌شاه قاجار، شماره نسخه ۱۳۰۸۷، شماره ثبت ۷۶۵۰۲، صفحه ۵۷، مخزن خطی کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی)

۴. ارث و میراث

بیش‌ترین اختلافات و درگیری‌های فامیلی و طایفه‌ای بر سر موضوع وراثت بوده است. یکی از این عریضه‌ها «عرض حال شیخ‌محمد پیشنهاد از تبریز درباره شکایت از اجحافات حاجی میرزاخیلیل جاپارچی باشی نسبت به اولاد حاجی جوادخان که همشیره‌زاده‌های مشارالیه نیز هستند» به منظور «تقاضای احقاق حق» به شرح ذیل است:

تبریز: عارض شیخ‌محمدحسین پیشنهاد

چندی قبل به دیوان مظالم تظلم شد که حاجی میرزاخیلیل جاپارچی باشی بر اولاد حاجی جوادخان که همشیره‌زاده‌های من هستند ستم کرده در دارالخلافه سه دانگ آقبلاغ را ملک خود قلمداد کرده و نصف بهره آن را به اسم خود فرمان صادر نموده و حال آن‌که یکدانگ و نیم آن حق ورثه حاجی جوادخان است مقرر شد در آذربایجان رسیدگی شود صورت نیافت حاجی میرزارضا پسر حاجی میرزاخیلیل در طهران است از او جويا شوند یحتمل صدق مطلب را عرض کند اگر نکرد اثبات آن با داعی است که نه خروار و پنجاه من بهره آقبلاغ را از بابت سه دانگ برخلاف حق در کتابچه باسم خود نویامده و بار خود را بر دوش بیوه زن و یتیم گذاشته است استدعای احقاق حق است. (مجموعه عرایض، نامه‌ها و دستورات ناصرالدین‌شاه قاجار،

تحلیل محتوایی عرایض مردم آذربایجان به ... (مریم نیل قاز و دیگران) ۳۰۳

شماره نسخه ۱۳۰۸۷، شماره ثبت ۷۶۵۰۲، صفحه ۲۱، مخزن خطی کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی)

تحشیه/ پاراف نامه: «به صدق الدوله بنویسید برسد مقرر عادلانه بدهد.» (مجموعه عرایض، نامه‌ها و دستورات ناصرالدین شاه قاجار، شماره نسخه ۱۳۰۸۷، شماره ثبت ۷۶۵۰۲، صفحه ۲۱، مخزن خطی کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی)

۵. ظلم متولیان موقوفات

مصادیق دیگر عریضه‌ها راجع به ظلم متولیان موقوفات است. تغییر کاربری یا موارد استفاده از املاک و زمین‌های وقفی و نیز اجاره آن‌ها، خلاف آن چیزی که مدنظر واقف بوده است، یکی دیگر از موضوعاتی است که در عریضه‌ها به آن اشاره شده است؛ در ذیل به «عرض حال علی بیگ پنجاه باشی و سه برادر دیگرش که جزو دسته طهماسقلی خان یوزباشی هستند، درباره اختلافات ملکی خود با باقرخان کلیبری» اشاره می‌شود:

از تبریز علی بیگ پنجاه باشی و سه برادر دیگرش که جزو دسته طهماسقلی خان یوزباشی است عریضه تظلمانه به خاکپای مبارک روحانفاده عرض نموده‌اند که از زمان سلاطین صفویه قریه نورتیه که از محال قراچه داغ است وقف بر چاکران بوده و محض آسودگی و گذشتن معاش علاوه بر آن واگذار فرموده بودند چندی قبل باقرخان کلیبری محض عرض چهارصد تومان داده و دو دانگ قریه را از دیگری قباله نموده بمرحوم امیرنظام عارض شدیم بمحضر شرع انور رجوع فرمودند حکم قطعی بر وقفیت شش دانگ قریه از جمیع آقایان صادر نمودیم مع ذلک احدی بداد چاکران نمیرسد استدعای احقاق داریم عرض دیگر این‌که باقرخان یک رأس مادیان با کره از چاکر گرفته و رو نمی‌کند مقدار یک صد خروار هم غله از علافان بزور برده در این فقرات استدعای احقاق از خاکپای مبارک روحانفاده داریم. (مجموعه عرایض، نامه‌ها و دستورات ناصرالدین شاه قاجار، شماره نسخه ۱۳۰۸۷، شماره ثبت ۷۶۵۰۲، صفحه ۲۵، مخزن خطی کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی)

تحشیه/ پاراف نامه: «به حضرت ولیعهد بنویسد قدغن فرمایند شرعاً مقرر آن را بفرمایند.» (مجموعه عرایض، نامه‌ها و دستورات ناصرالدین‌شاه قاجار، شماره نسخه ۱۳۰۸۷، شماره ثبت ۷۶۵۰۲، صفحه ۲۵، مخزن خطی کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی)

۶. قتل

از دیگر مصادیق عریضه‌ها، موضوع قتل و مجازات مربوط به آن است. متن برجای مانده از عریضه‌ها نشان می‌دهد که افراد ذی‌نفوذ و قدرتمند، به علت عدم وجود ساختار و نظام قضائی در ایران زمین، معمولاً از مجازات قتل می‌جستند؛ در ذیل به عریضه‌ای که صاحبان دم، طی «تلگراف به حضرت ولیعهد درباره شکورنام ماکویی که چپاریست در خوی و قاتل شناخته شده، تقاضای مطالبه وی را از تیمور پاشاخان ماکوئی» نمودند، اشاره می‌شود:

قاتل چپاریست در خوی مشخص شده که شکور نام ماکوئی است تلگراف بحضرت ولیعهد شده که او را حتماً از تیمورپاشاخان ماکوئی مطالبه نمایند خیر آخری را، مجدداً از حضرت ولیعهد دامت شوکته تلگراف رسید نوشت که شخص قاتل را گرفته حبس نموده موقوف به حکم است. (مجموعه عرایض، نامه‌ها و دستورات ناصرالدین‌شاه قاجار، شماره نسخه ۱۳۰۸۷، شماره ثبت ۷۶۵۰۲، صفحه ۴۷، مخزن خطی کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی)

۷. آب

کمبود و محدودیت‌های مربوط به آب و پیوند آن با نظام باغداری و زمینداری در ایران زمین، همیشه تاریخ، یکی از موضوعات مورد مناقشه و منازعه میان باغداران و زمین‌داران بوده است. عریضه‌های راجع به آب شامل موارد تصرف یا قطع آب زراعی، تقاضای احداث قنات و لایروبی آن بوده‌اند. (مجموعه عرایض، نامه‌ها و دستورات ناصرالدین‌شاه قاجار، شماره نسخه ۱۳۰۸۷، شماره ثبت ۷۶۵۰۲، صفحه ۸۹۶، مخزن خطی کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی)

۸. مسائل خانوادگی

مسائل خانوادگی شامل «شکایت از شوهر، ندادن نفقه و مهریه، تقاضای طلاق، تجاوز به عنف و هتک ناموس» از دیگر مواردی بودند که در قالب عریضه به شاه تقدیم می‌شدند. (مجموعه عرایض، نامه‌ها و دستورات ناصرالدین‌شاه قاجار، شماره نسخه ۱۳۰۸۷، شماره ثبت ۷۶۵۰۲، صفحه ۴۵۲، ۵۳۹، ۵۴۰ مخزن خطی کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی)

۹. مسائل اقلیت‌های مذهبی

قسم دیگر عریضه‌ها مربوط به تقاضای اقلیت‌های مذهبی (زرتشتیان، بابی‌ها، بهائی‌ها و...) از تضييع حقوق‌شان به دست اکثریت مردم یا دواير دولتی و نیز شکایات مسلمانان از اقلیت‌های مذهبی، مبنی بر تبلیغ دین خود و اقدام به اعمال منافی با آموزه‌های اسلامی است؛ (مجموعه عرایض، نامه‌ها و دستورات ناصرالدین‌شاه قاجار، شماره نسخه ۱۳۰۸۷، شماره ثبت ۷۶۵۰۲، صفحه ۳۶۰، ۴۶۱، مخزن خطی کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی) این خود نشان می‌دهد که آزادی مذهبی در ایران‌زمین وجود داشته است، اما عدالت، حلقه مفقوده‌ای بود که همه گروه‌ها و فرقه‌های مذهبی به دنبال تحقق آن بودند.

۲.۴ تحلیل کمی عریضه‌های مردم آذربایجان

۱. نخستین نکته‌ای که باید بدان اشاره کرد این است که عرایض، اطلاعات با ارزشی از طبقات اجتماعی پایین دست ارائه می‌دهد که در هیچ منبعی قابل دسترس نیست. در واقع حیات اجتماعی هر ملت آن‌گونه که بوده است در عرایض نمایان می‌شود. برای نمونه، اطلاعاتی که می‌توان از وضعیت روستاهای ایران در این عرایض یافت، بسیار حائز اهمیت است؛ نام روستاهائی که امروزه یا به دلایل مهاجرت و بلاهای طبیعی وجود ندارند و یا تغییر نام داده‌اند. شاید بتوان از این سخن معروف «میشله» به‌گونه‌ای دیگر بهره برد؛ عرایض، «تاریخ آنهائی است که رنج برده‌اند، کارکردند، له شدند و مردند، بدون این‌که توانسته باشند رنج‌های خود را توصیف کنند.» (Bruker, 1990: p8)

۲. نکته دوم این که، عرایض را باید در شمار رخدادهای تاریخی بررسی کرد (شامل رخدادهائی که در هر چهار نهاد سیاست، اجتماع، اقتصاد و فرهنگ رخ می‌دهد) و نه شکوایه‌هائی مستقل و قابل استناد به ذات. هرچند مهم‌ترین ویژگی این عرایض، شخصی بودن آنهاست، اما اظهارات شاکیان در کنار هم، از یک جریان در جامعه سخن می‌گویند که دیگر منابع در قبال آنها سکوت اختیار کرده‌اند.

۳. تایید صدق و کذب نوشته‌های شاکیان نیز، نکته درخور تامل دیگری درباره عرایض است؛ امری که به دلیل ویژگی شخصی این عرایض کاری دشوار است.

۴. نکته دیگر، درباره ادبیات عرایض است. در مطالعه اجمالی عرایض، نخستین امری که توجه را به خود جلب می‌کند، نوعی گفتار واحد در همه عرایضی است که با موضوعات متنوع و از نقاط مختلف آذربایجان ارسال شده است. دست‌خط‌های مشابه عرایض در یک دوره زمانی نشان‌دهنده این است که شکوایه‌ها از زبان افراد بی‌سواد گفته می‌شود و نگارندگان این نامه‌ها، آن‌ها را در نگارش به شیوه‌ای یکسان می‌نوشتند. از آنجایی که امکان تکلم یا حتی نوشتن فارسی برای آن‌ها قدری مشکل می‌نموده، اغلب اغلاط پرشمار دستوری و نگارشی در متن یک عریضه مشاهده می‌شود. در نثر این عرایض گاهی واژه‌ها و اصطلاحات محلی هم به کار رفته است.

با بررسی ماهیت و محتوای اسناد عرایض آذربایجان که تعداد آنها ۷۸ مورد بود، مشاهده گردید که حدود ۴۴ درصد این عرایض مربوط به مشکلات اقتصادی شامل گران‌فروشی، اخذ مالیات، پرداخت مقرری، ادعای طلب، ارث و اجاره می‌باشند. همچنین ۱۹ درصد دزدی و سرقت، ۱۷ درصد در مورد امنیت، ۱۰ درصد قتل و نهایتاً ۱۰ درصد مربوط به اختلافات شخصی بودند. اگر دزدی و سرقت و امنیت را با هم در نظر بگیریم این مشکلات ۳۷ درصد کل مشکلات را شامل می‌شود، بدین ترتیب می‌توان نتیجه گرفت که بیش‌ترین مشکلات در آن زمان اقتصادی و امنیتی بوده است. در دوره قاجاریه و به ویژه ناصرالدین‌شاه قاجار؛ به دلیل افزایش کالاهای وارداتی در منطقه خاورمیانه، به خصوص ممالک محروسه ایران، باعث تضعیف اقتصاد آن و به دنبال آن ضعف اقتصادی مردم شد که به دنبال این ضعف اقتصادی ناامنی نیز توسعه یافت. مردم هم برای بهبود شرایط موجود به دربار شاهی عریضه می‌نوشتند. اما درباره رسیدگی به عرایض مردم باید گفت که شهرهایی

تحلیل محتوایی عرایض مردم آذربایجان به ... (مریم نیل قاز و دیگران) ۳۰۷

که نزدیک به پایتخت بود رسیدگی به تظلم مردم آنجا بیشتر صورت می‌گرفت تا مردمی که در مناطق با فاصله بیشتر زندگی می‌کردند.

۳.۴ تحلیل کیفی عریضه‌های مردم آذربایجان

عرایض ارسالی از آذربایجان به دربار، که بازخوانی و بررسی آنها، موضوع این مقاله است، تقریباً شامل تمام شهرهای این منطقه است، از جمله تبریز با ۳۰ مورد، ارومیه ۶ مورد، اردبیل ۸ مورد، میانه ۵ مورد، خوی ۱۳ مورد، خلخال ۶ مورد، مرند ۲ مورد، سلماس ۲ مورد، ساوجبلاغ ۱ مورد، جلفا ۱ مورد، صائین قلعه ۱ مورد و مراغه ۳ مورد.

مسائل و مطالبی که در این عرایض مطرح شده، بیشتر شامل شکایت از تعدیات حاکمان، مطالبه مالیات به صورت نقدی و جنسی، خشکسالی، آفت محصولات زراعی، کم‌آبی، مسائل حیثیتی (مانند دزدیده شدن همسر شخص توسط حاکم آن محل) و مسأله خدمت نظام وظیفه (تقاضای کفالت) بوده است. (رک و نک: عرایض مردم آذربایجان، مجموعه عرایض، نامه‌ها و دستورات ناصرالدین شاه قاجار، شماره نسخه ۱۳۰۸۷، شماره ثبت ۷۶۵۰۲، صفحه ۳۳۰، ۵۳۹، ۶۲۳، ۷۴۴، ۷۷۶ مخزن خطی کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی)

مسئله دیگری که در این اسناد مشاهده می‌شود، مقوله وراثت است که بیش‌ترین اختلافات و درگیری‌های فامیلی و طایفه‌ای بر سر همین موضوع بوده و گاهی به مرگ چند نفر منجر شده است. (رک و نک: عرایض مردم آذربایجان، مجموعه عرایض، نامه‌ها و دستورات ناصرالدین شاه قاجار، شماره نسخه ۱۳۰۸۷، شماره ثبت ۷۶۵۰۲، صفحه ۴۵۴، ۴۹۳، ۴۹۴، ۵۴۰، ۶۴۷، ۶۵۹، ۸۱۷، ۸۱۹، مخزن خطی کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی)

علاوه بر این مسائل، موضوعات متفرقه دیگر، مثل تشرف به زیارت عتبات، مشکلات اقلیت‌های مذهبی (مثل مسیحیان و یهودیان)، فقر و تنگدستی، نداشتن مسکن و سرپناه، عدم پرداخت مقرری و وقف نیز از دیگر موضوعات این شکایات است. (رک و نک: عرایض مردم آذربایجان، مجموعه عرایض، نامه‌ها و دستورات ناصرالدین شاه قاجار، شماره نسخه ۱۳۰۸۷، شماره ثبت ۷۶۵۰۲، صفحه ۳۶۰، ۴۵۲، ۵۶۹، ۵۷۴، ۷۲۴، ۷۲۵، ۷۵۵، ۷۶۸ مخزن خطی کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی)

این عرایض یا به صورت مستقیم به دست شاه می‌رسید، یعنی زمانی که بار عام می‌داد، و یا زمانی که به شکار می‌رفت و در ارتباط مستقیم با مردم بود و یا از طریق افراد مورد اعتماد پادشاه (مانند ملیجک دربار، طولوزان پزشک دربار، اعتمادالسلطنه و...) که بیش‌تر وقت خود را با پادشاه می‌گذراندند، وصول می‌شد. (عبد امین، ۲۰۵: ۱۳۹۷)

با مطالعه این عرایض، می‌توان دریافت که زندگی مردم در آن زمان، با مشکلات عدیده‌ای مواجه بوده و به همین دلیل از حکمرانان ولایات و ایالات، تقاضای مساعدت و رسیدگی به اوضاع می‌نمودند. هرچند که در نوشتن این عریضه‌ها، شئون و آداب درباری و حکومتی رعایت نمی‌شده و بر روی کاغذهای معمولی رقم خورده، اما شاه در حاشیه همان کاغذها، دستور رسیدگی صادر می‌کرده است. اکثر این نامه‌ها توسط افراد عادی و یا کم‌سواد نوشته شده‌اند، لذا دارای ضعف نگارشی و املائی‌اند و برخی از نوشته‌ها نیز چندان مفهوم نیستند.

از مطالعه اسناد مربوط به مکاتبات و نامه‌نگاری‌های مردم آذربایجان به شاه و مقامات عالیه کشور در این دوره، هم به وضع اجتماعی و هم به امور اداری و حکومتی دولت و سلطنت، می‌توان آشنا و واقف شد. همچنین از خلال این اسناد و نامه‌ها، طرز نامه‌نگاری و ترتیب ثبت و ضبط نامه‌ها و احکام و دستورات، اصلاحات اداری و دیوانی، سیاسی، اجتماعی و مالی، و تحول و تطور آنها، در بازه زمانی مورد بررسی روشن و آشکار می‌گردد. وضع طبقات اجتماعی و اصناف، نکات جغرافیایی، تطور و تکامل خط و فن نویسندگی و انشاء نامه‌ها از دیگر مواردی است که با بررسی و دقت در این اسناد مشخص می‌گردد. از آنجایی که این عرایض را مردمی می‌نوشتند که امکان تکلم و یا حتی نوشتن به فارسی برای آن‌ها قدری مشکل می‌نموده، اغلب شاهد اغلاط پرشمار دستوری و نگارشی در متن یک عریضه هستیم. به نظر می‌رسد، با توجه به سطح سواد و آگاهی، این عرایض را اشخاص دیگری، از زبان مردم، می‌نوشتند.

چه بسا افرادی که نامه نوشتن یا تلگراف زدن برای شکایت از مسأله‌ای یا حتی درخواست مطلبی را بی‌ثمر می‌دانستند، یا اینکه ترس از عواقب کار و رعایت برخی محدودیت‌ها مانع کار ایشان می‌شده است؛ به عنوان نمونه، اگر زارع یا دهقانی جرأت نوشتن عریضه در شکایت از تعدیات ارباب را به خود می‌داد حتماً باید منتظر تلافی وی می‌بود.

عرایض به صورت فردی یا جمعی ارسال می‌شد. معمولاً نویسنده عریضه برای نشان دادن صدق عرایض خویش، استشهادنامه‌ای هم به نامه پیوست می‌کرد که این استشهادنامه پر بود از مهر و امضای اهالی، ریش سفیدان و حتی مهر مخصوص کدخدای محل. وجود انبوهی اثر انگشت به جای امضا در عریضه‌ها نشان از سطح سواد مردم منطقه دارد.

۵. نتیجه‌گیری

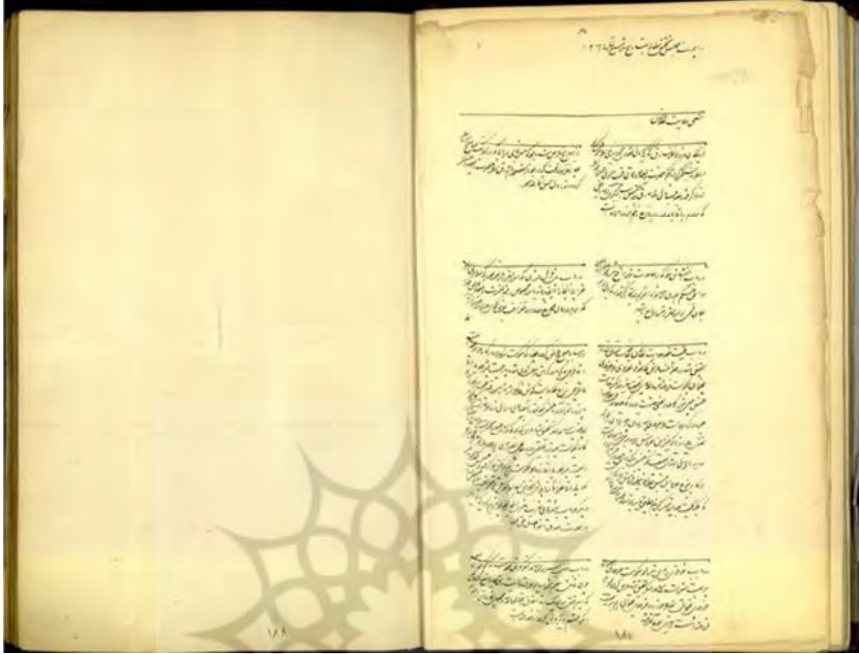
با بازخوانی و مطالعه اسناد عرایض، بخشی از مطالبات و مشکلات مردم در دوره قاجار مشخص می‌شود و می‌توان از آنها در تألیف تاریخ اجتماعی ایران در عصر قاجار بهره جست. همچنین با بررسی این عرایض، نحوه رسیدگی به مطالبات و مشکلات مردم از طرف شاه و دولتمردان نیز معلوم می‌شود.

در دوره قاجار و به خصوص ناصرالدین شاه، به دلیل افزایش کالاهای وارداتی به کشورهای خاورمیانه، به ویژه ایران، باعث تضعیف اقتصاد و به دنبال آن ضعف اقتصادی در میان مردم شد که به دنبال این ضعف اقتصادی ناامنی نیز به وجود آمد. مردم هم برای بهبود شرایط موجود به دربار شاهی عریضه می‌نوشتند. اما درباره رسیدگی به عرایض مردم باید گفت که شهرهایی که نزدیک پایتخت بودند، رسیدگی به تظلم مردم آنجا بیش‌تر صورت می‌گرفت تا مردمی که در مناطقی با فاصله بیشتر زندگی می‌کردند.

نکته قابل ذکر در مورد کلیه عرایض، این است که معمولاً این نوع اسناد، قابل بخش‌بندی به دو دسته کلی شامل «درخواست» و «دادخواست» است که تعداد دادخواست‌ها، به نحو محسوسی، بر آمار درخواست‌ها غلبه دارد.

بررسی و تحلیل عریضه‌ها نشان می‌دهد که عدم شکل‌گیری نهادها و ساختارهای اداری، عدم وجود امنیت جانی و مالی عریضه‌نویسان از سوی حاکمان محلی، و مهم‌تر از همه توجه و پیگیری شخص شاه به مطالبات و تقاضاهای مردم موجب می‌شد تا آنان عریضه‌های خود را به شخص اول مملکت یعنی پادشاه متجدد و فرنگ دیده قاجار، ناصرالدین شاه، تقدیم کنند.

پیوست



نمونه اسناد عرایض

کتاب‌نامه

اسناد:

عرایض مردم آذربایجان، مخزن خطی کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی،

شماره صفحه ۸۵

عرایض مردم آذربایجان، مخزن خطی کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی،

شماره صفحه ۵۷

عرایض مردم آذربایجان، مخزن خطی کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی،

شماره صفحه ۲۱

عرایض مردم آذربایجان، مخزن خطی کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی،

شماره صفحه ۲۵

تحلیل محتوایی عرایض مردم آذربایجان به ... (مریم نیل قاز و دیگران) ۳۱۱

عرایض مردم آذربایجان، مخزن خطی کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، شماره صفحه ۴۷.

عرایض مردم آذربایجان، مخزن خطی کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، شماره صفحه ۸۹۶.

عرایض مردم آذربایجان، مخزن خطی کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، شماره صفحه ۴۵۲.

عرایض مردم آذربایجان، مخزن خطی کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، شماره صفحه ۵۳۹،۵۴۰.

عرایض مردم آذربایجان، مخزن خطی کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، شماره صفحه ۳۶۱،۴۶۱.

الف) کتاب

آدمیت، فریدون و هما ناطق (۱۳۵۶)، *افکار اجتماعی سیاسی و اقتصادی در آثار منتشر نشده دوران قاجار*. تهران: آگاه.

انوری، حسن (۱۳۸۱). *فرهنگ بزرگ سخن*. تهران: سخن.

بیانی، خان بابا (۱۳۷۵). *پنجاه سال تاریخ ایران در دوره ناصری*. تهران: علم.

دامغانی، محمد تقی (بی تا). *صد سال پیش از این*. بی جا: بی نا.

دروویل، گامسپار (۱۳۶۴). *سفر در ایران*. ترجمه منوچهر اعتمادمقدم. تهران: شباویز.

دومورگان، ژاک ژان ماری (۱۳۳۸). *مطالعات جغرافیایی ایران*. ترجمه کاظم ودیعی. تبریز: چهره.

شمیم، علی اصغر (۱۳۷۵). *ایران در دوره سلطنت قاجار*. تهران: افکار.

شیل، مری (۱۳۶۸). *خاطرات لیدی مری شیل*. ترجمه حسن ابوترابیان. تهران: نشر نو.

قائم مقامی، جهانگیر (۱۳۵۰). *مقدمه ای بر شناخت اسناد تاریخی*. تهران: انجمن آثار ملی.

ابی الفرج قدامه بن جعفر، ابی الفرج (۱۳۵۳). *کتاب الخراج و صنعه الکتابه (حسین خدیو جم، حقیقه و قدام له)*. تهران: انتشارات بنیاد و فرهنگ.

کتابچه دستورالعمل روسای اداره جلیله ثبت دولتی (۱۳۰۳ هـ.ق). تهران: بی نا (نسخه چاپی).

معیرالممالک، دوستعلی خان (۱۳۶۴). *یادداشت هائی از زندگانی خصوصی ناصرالدین شاه*.

تهران: تاریخ ایران.

عبدامین، مجید (۱۳۷۹). *نامه هابی به ناصرالدین شاه: مجموعی از عرایض به امین السلطان میان*

سال های ۱۳۰۰-۱۳۰۳ ق. تهران: سخن.

ب) فرهنگ نامه / لغت نامه:

۳۱۲ پژوهش‌نامه تاریخ اجتماعی و اقتصادی، سال ۱۰، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۰

دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳). لغتنامه دهخدا. تهران: دانشگاه تهران، مدخل «عریضه».

معین، محمد (۱۳۷۵). فرهنگ فارسی. تهران: امیرکبیر، مدخل «عریضه».

ج) مقاله:

ططری، علی (۱۳۸۸). «بررسی جایگاه عریضه در پژوهش‌های اسنادی». پیام بهارستان. دوره دوم،

س ۱، ش ۴.

Burke peter(1990). *french historical revolution*. Stanford: Stanford university press.

